

یازدهمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان

پنجشنبه ۲۸ فروردین (۱۷ آوریل ۱۹۸۶) در برلین پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان، یازدهمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان کار خود را آغاز کرد. در این کنگره فرستادگان ۲۲ میلیون کمونیست آلمانی و تعداد زیادی از پیشکسوتان جنبش کارگری در آلمان به عنوان میهمان شرکت دارند. میخائیل سرگیویچ گورباچف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در اس میاتی است که کمونیست های شوروی برای آشنایی نزدیک با دستاوردهای عظیم جمهوری دمکراتیک آلمان و برنامه های بازهم سترگ ترش برای واپسین سال های سده بیستم میلادی به برلین فرستاده اند. در مجموع، فرستادگان احزاب کمونیستی و کارگری و سوسیال دمکرات و سوسیالیستی از ۱۰۴ کشور جهان به عنوان میهمان در کنگره حضور دارند.

در میان فرستادگان احزاب برادر، هیات نمایندگی حزب توده ایران به ریاست رفیق علی خاوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب را می توان دید.

در نخستین روز کنگره، اریش هونکر، دبیر کل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان، گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب را پیرامون نتایج بدست آمده در فاصله کنگره های دهم و یازدهم حزب و پیشنهادهای تهیه شده برای برنامه کار تا سال ۱۹۹۰ و پس از آن را در برابر نمایندگان خواند. او گفت سوسیالیسم جای نخست را به صلح می دهد و مسائل بفرنج انقلاب علمی - فنی را به سود بهروزی توده های خلق حل می کند. در این گزارش روی بقیه در ص ۸



شماره ۹۹ دوره هشتم
سال دوم - پنجشنبه ۱۳۶۵/۲/۴
بها ۲۰ ریال

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

به کارگران و زحمتکشان ایران به مناسبت اول ماه مه

کارگران و زحمتکشان ایران!
کمیته مرکزی حزب توده ایران جشن بزرگ اول ماه مه، روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را صمیمانه و با آرزوهای نیکخواهانه انقلابی به شما شادباش می گوید.

نبرد خونین کارگران شیکاگو در روز اول ماه مه یکصد سال پیش (۱۸۸۶)، تلاجه داردوران نوین، دوران پرافراشتن درفش خونفام کارگران و زحمتکشان در رویارویی با قدرت دوزخی سرمایه بود.

اینک از سرکوب خونبار کارگران شیکاگو یک قرن می گذرد. در روزی این سالهای سراسر رنج و کار و پیکار طبقه کارگر توانست در بخش بزرگی از جهان زنجیرهای گرانبار ستم سرمایه را بگسلد، از بند بهره کشی رها گردد و پرچم پرافتخار سوسیالیسم را پرافرازد. اینک در کشورهای سوسیالیستی، قدرت در دست های با کفایت و تاریخساز طبقه کارگر است. در این کشورها طبقه کارگر از قدرت خود در راه ساختمان سوسیالیسم، تامین هرچه بیشتر نیازهای واقعی مادی و معنوی انسان و پاسداری از صلح و امنیت جهانی بهره می گیرد:

در کشورهای سرمایه داری رشديافته، طبقه کارگر در اتحادیه ها و سندیکاهای نیرومند خود سازمان یافته است و زحمتکشان زیر پرچم پرولتاریا بر ضد ستم انحصارات و در راه تامین حقوق حقه و منافع حیاتی خود مبارزه می کنند. در کشورهای رشديابنده نیز طبقه کارگر در پیشاپیش دیگر زحمتکشان به پیکار عادلانه خود علیه بهره کشی و ستم امپریالیسم و در راه دستیابی به استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی ادامه می دهد.

امروز، طبقه کارگر جهانی، با وزن سنگین رسالت تاریخی عظیم خویش به نیروی تعیین کننده در راستای تحولات جامعه انسانی تبدیل شده است.

حزب توده ایران به مناسبت فرارسیدن روز اول ماه مه به طبقه کارگر پیروزمند جهانی، که در حال ساختمان سوسیالیسم است و کارگران و زحمتکشان کشورهایی که در راه صلح و سوسیالیسم و بر ضد امپریالیسم و ارتجاع مبارزه می کنند، دروهای برادرانه می فرستد.

کارگران و زحمتکشان ایران در شرایطی می خواهند مراسم روز کارگر را در هشتمین سال پس از پیروزی انقلاب برگزار کنند که با خیانت سردمداران واپسگرای جمهوری اسلامی به آماج های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ۲۲ بهمن، رژیم جهل و اختناق پلیسی بر کشور ما فرمانروا گردیده است. رژیم "ولایت فقیه" به تهاجم سراسری خود بر دستاوردهای انقلاب یعنی ثمره فداکاری و جانپازی کارگران و زحمتکشان میهن ما ادامه می دهد. در حال حاضر، سیاست داخلی و خارجی رژیم به عنوان دوروی یک سکه، اساسا و در مجموع با منافع زحمتکشان و مصالح ملی کشور ما در تضاد آشکار قرار دارد. این بحران ژرف اجتماعی - اقتصادی که سرپای جامعه را فراگرفته، محصول سیاست و عملکرد خائنانه و ضد خلقی رژیم است و پیامدهای دردناک و گرانبار آن به ویژه بر دوش کارگران و زحمتکشان سنگینی می کند. رژیم ارتجاعی مدافع کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران با آگاهی از خشم و انزجار روزافزون زحمتکشان نسبت به خود می کوشد تا با دنبال کردن سیاست سرکوب و ادامه جنگ خانمانسوز به زندگی ننگین خود بازهم ادامه دهد.

بقیه در ص ۲

پیام شادباش حزب توده ایران

به کمیته مرکزی

حزب دمکراتیک خلق افغانستان

رفقای ارجمند،

کمیته مرکزی حزب توده ایران، بنام همه توده ای ها و نیروهای مترقی و میهن پرست کشور ما سالگرد انقلاب ثور را به شما همه اعضای حزب و مردم افغانستان شادباش می گوید.

انقلاب ثور افغانستان فرآورده پیکار دیرینه و جانپازانه خلق و پیش از همه، کمونیست های افغانستان در راه دمکراسی، پیشرفت اجتماعی و استقلال راستین است. این رویداد بزرگ همچنین پیروزی چشمگیری در تاریخ مبارزه خلق های منطقه علیه امپریالیسم و ارتجاع به شمار می رود.

انقلاب ثور افغانستان، همانگونه که برای نیروهای مترقی و دمکراتیک کشور ما نوید بخش بود، خشم امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه را برانگیخت و از جمله رژیم خائن جمهوری اسلامی راه، هندوش با عوامل شناخته شده امپریالیسم، به دامن دسیسه های مداخله گرانه علیه افغانستان انقلابی کشانید. بقیه در ص ۵

عملیات بانکی بدون بهره،

دروشنایی واقعیتها

"یک نظامی از جبهه سومار" از روزنامه کیهان پرسیده است: پرداخت وام با ۱۴ درصد بهره مغایر قانون بانکداری بدون ربا چیست؟ این ارتشی نامه خود را چنین ادامه می دهد: چندی پیش وزیر اقتصاد و دارائی، در کنفرانس بین المللی پول در سلول، در مورد اسلامی شدن نظام بانکداری در جمهوری اسلامی و به بقیه در ص ۲

افغانستان

دهشتمین سالگرد پیروزی انقلاب

در ص ۴

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

پایه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به کارگران و زحمتکشان ایران * * *

در کشور ما، ابتدایی ترین آزادی ها و حقوق دمکراتیک سرکوب می شود. احزاب، سازمانها و نیروهای مترقی و به دیگر سخن، همه پایبندان به آماج های انقلاب بهمین هدف یورش ارگان های سرکوبگر رژیم قرار گرفته اند. تلاش های رژیم برای متلاشی کردن سازمان های صنفی و سیاسی طبقه کارگر، دستگیری، به زندان افکندن، شکنجه و اعدام دهها هزار تن از بهترین فرزندان خلق از میان کارگران و دهقانان و فرزندان آنها، جلوه هایی از تهنکابهای رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی است.

امروزه به حق باید خاطر نشان ساخت که محرومیت طبقه کارگر ایران بیش از دیگر قشرها و طبقات است. نبود آزادی و دمکراسی در جامعه به معنای ایجاد سد در راه مبارزه سازمان یافته، آزاد و متحد کارگران و دیگر زحمتکشان برای دستیابی به حقوق صنفی و سیاسی خود و جلوگیری از شرکت آنان در برنامه ریزی تولید و اداره واحدهای تولیدی و خدماتی کشور و نیز تشدید استثمار و فقر و گرسنگی است.

کارگران و زحمتکشان ایران!

رژیم "ولایت فقیه" با گام برداشتن در راه احیاء و تحکیم مواضع نظام سرمایه داری وابسته، در عمل جز رنج و تیره روزی، جز فقر و بیکاری و بی خانمانی برای شما به ارمغان نیاورده و نخواهد آورد. در حالی که غارتگران اجتماعی بیش از پیش در کف حمایت رژیم از آزادی عمل و تشکل برخورداری می شوند، شما صاحبان اصلی تمام ثروت های کشور از هرگونه آزادی و حق صنفی و سیاسی محروم هستید. پایان بخشیدن به رژیم جهل و ترور و اختناق و دستیابی به آزادی های دمکراتیک، نخستین گام برای تامین نان و مسکن، بهداشت و فرهنگ، حقوق صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان است. شما با اتکا به اراده و قدرت یولادین خویش، روز اول ماه مه را به روز تجدید پیمان بخاطر تشدید مبارزه در راه دستیابی به آزادی های صنفی و سیاسی و رهایی فرزندان زندانی خلق - یعنی بهترین یاران خود که یگانه "جرم" آنان دفاع پیگیرانه از حقوق حقه شماست - از سیاه چالها و دخمه های مرگ رژیم، تبدیل کنید.

جشن اول ماه مه - امسال، در شرایطی برگزار می شود که آتش جنگ امپریالیسم برافروخته میان ایران و عراق همچنان شعله ور است. کیست نداند که جبهه های جنگ، تنور سوزان و قربانگاه کارگران و زحمتکشان و فرزندان آنان، چه در ایران و چه در عراق است.

جنگ ایران و عراق که از ادامه هر روز و هر لحظه آن تنها امپریالیسم و ارتجاع سود می برند، تا کنون خسارت های مالی و جانی عظیمی ببار آورده است. کشته، زخمی و معلول شدن صدها هزار انسان، آوارگی نزدیک به ۲ میلیون تن، وارد شدن صدها میلیارد دلار زیان های مادی، از جمله پیامدهای جنگ ایران و عراق است. در

حال حاضر، رژیم و ایسگرا و تبهکار "ولایت فقیه" به بهانه ادامه جنگ و در "راس امور" قراردادن آن ابتدایی ترین آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم و هر اعتراض و جنبش حق طلبانه خلق را سرکوب می کند و در عمل محل و زمینه بهره برداری امپریالیسم و ارتجاع را برای پیشبرد توطئه های رنگارنگ خود در منطقه و جهان فراهم ساخته است.

کارگران و زحمتکشان! مردم قهرمان ایران! ادامه جنگ ایران و عراق یعنی ادامه کشتار، آوارگی و بی خانمانی شما و فرزندان شما، نابودی و ویرانی شهرها، روستاها و مراکز تولیدی دیگر و بر باد رفتن نزدیک به ۵۰ درصد از بودجه کشور در راه تامین جنگ افزار و دیگر مخارج جنگی، یعنی گسترده ماندن خوان یغماگری و بهره کشی از زحمتکشان، یعنی تعمیق وابستگی هر چه بیشتر اقتصادی به انحصارهای صنعتی و نظامی امپریالیستی و تشدید پدیده های بحران زا در اقتصاد ناپسایمان کشور. باید در آستانه روز اول ماه مه، با برداشتن درفش صلح بر ضد سیاست توسعه طلبانه رژیم به بهانه "صدور اسلام" پیاختار و پیکار خویش را برای پایان بخشیدن به جنگ تشدید کرد. مبارزه متحد و سازمان یافته شما با اشکال و شیوه های گوناگون، مانند کم کاری، تحصن، اعتصاب و تظاهرات می تواند کارگر افتد و این آسیاب خون را از حرکت باز دارد.

کارگران و زحمتکشان!

امسال جشن اول ماه مه در شرایطی برگزار می شود که شما از ابتدایی ترین حقوق و آزادیهای دمکراتیک و اجتماعی محروم هستید و در وضعیت دشوار و توانفرسایی بسر می برید. سرمایه داران و کارفرمایان با بهره گیری از هرج و مرج و بی قانونی حاکم بر واحدهای تولیدی، با تکیه به قوانین ارتجاعی و ضدکارگری دوران ستمشاهی و مصوبه های ضدکارگری جدید، تلاش می ورزند تا به اشکال گوناگون از جمله با تشدید آهنگ کار بر شدت ستم و بهره کشی طبقاتی خود بیاورند. در این راه رژیم با پیشنهاد قوانین ضدکارگری مانند لایحه فوق ارتجاعی "حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی"، قانون کار جدید که بدون مشارکت نمایندگان راستین طبقه کارگر تدوین گردیده و تصویب "قانون شوراهای اسلامی کار" ابزارهای ضرور را برای تشدید بهره کشی در اختیار استثمارگران و زالوهای اجتماعی قرار داده است.

بیکاری میلیونی و اخراج های فردی و گروهی و بطور کلی نداشتن امنیت شغلی چون بختکی بر سر کارگران و زحمتکشان سایه افکنده است. نباید از نظر دور داشت که پس از بازگرداندن و یا فروش واحدهای تولیدی و کارخانه های ملی شده به سرمایه داران وابسته و فراری، و از کار افتادن چرخ تولید در بسیاری از کارخانه ها در نتیجه ادامه بی دلیل جنگ و تشدید بحران اقتصادی و ورشکستگی مالی رژیم، روند بیکار کردن و اخراج کارگران بیش از پیش شدت یافته است. سطح نازل دستمزد کارگران و

زحمتکشان شاغل نیز به هیچ وجه با هزینه سرسام آور زندگی و نرخ فزاینده تورم و گرانی همخوانی ندارد. وضع بهداشت و درمان در محیط های کار و زندگی اسفناک است. برپایه آمار و ارقام رسمی، نزدیک به نیمی از کارگران در سراسر کشور فاقد مسکن شخصی هستند. می توان گفت کارگران و زحمتکشان به معنای واقعی کلمه از حقوق کار و تامین اجتماعی محرومند.

برخورداری از حق داشتن سازمان صنفی مستقل، شرکت نمایندگان واقعی کارگران در تدوین قانون کار و تامین اجتماعی مترقی، برخورداری از حق مشارکت در برنامه ریزی و مدیریت تولید، افزایش حداقل حقوق و دستمزد، اجرای طبقه بندی مشاغل بر اساس طرح های مترقی، کاهش ساعات کار، پرداخت دستمزد مساوی در برابر کار مساوی، ممنوع ساختن کار کودکان، بهبود شرایط کار زنان و نوجوانان، بازرسی و نظارت بر بهداشت و ایمنی در محیط های کار، بیمه بیکاری و تامین اجتماعی، بهداشت و درمان و آموزش رایگان، تامین مسکن و توسعه تعاونی های کارگری از خواست های مبرم صنفی و رفاهی کارگران و زحمتکشان ایران است.

کارگران و زحمتکشان!

شما می توانید و باید دست در دست هم و با استفاده از امکان ها و شیوه های گوناگون مبارزه، در راه دستیابی به خواست های صنفی خود بیکار کنید. طبقه کارگر ایران اگر متحد و متشکل شود و دست همبستگی برادرانه به سوی زحمتکشان دیگر کشورهای جهان دراز کند، به نیروی عظیم و شکست ناپذیری تبدیل خواهد شد. رفقای کارگر! زحمتکشان مبارز و پیشرو!

در شرایطی که رژیم به سازمان های صنفی واقعی کارگران و زحمتکشان یورش آورده و آنها را غیرقانونی اعلام کرده است، شما باید از قوانین و آئین نامه ها و تعهدات رسمی دولت و کارفرمایان و در یک کلام از همه امکان های موجود، نیز بخاطر پیشبرد منافع کارگران و زحمتکشان کمال بهره برداری را بعمل آورید. در عین حال از هیچ تلاشی برای تشکیل هسته های مخفی کارگران فروگذار نکنید. هسته های مخفی کارگری می توانند نقش رهبری مبارزه صنفی سندیکایی زحمتکشان را در واحدهای کار به عهده بگیرند.

کارگران و زحمتکشان ایران!

شما پرتوان ترین نیروی اجتماعی در جامعه ایران هستید. هیچ دگرگونی بنیادی و هیچ بهسازی ژرف اجتماعی - اقتصادی به سود خلق، بدون شرکت شما و سازمان های واقعی صنفی و سیاسی شما نمی تواند به موفقیت بیانجامد. شاهرگ های زندگی اقتصادی کشور یعنی شیشه عمر رژیم در دست شماست. تجربه انقلاب بهمین ۵۷ سال را فراموش مکنید! رژیم شاه یعنی مظهر هزاران سال ستم در زیر ضربات کوبنده شما از پای درآمد. آن نیرویی که رژیم ستمشاهی را به زباله دان تاریخ افکند، زاینده اتحاد عمل و مبارزه پیکار و آشتی ناپذیر شما بود. اتحاد و مبارزه شما بقیه در ص ۲

عملیات بانکی

اجراد آمدن قانون بانکداری بدون بهره سخفانی ایراد کردند و نیز در زمینه وام های قرض الحسنه بدون بهره توضیحاتی دادند. در صورتی که هم اکنون شاهد هستیم وام بانک سپه ۱۲ تا ۱۴ درصد بهره (با احتساب کارمزد و سایر هزینه های مربوطه) به متقاضیان پرداخت می شود و برکسی پوشیده نیست که متقاضی برای پرداخت اقساط این وام چه فشار سنگینی را باید متحمل شود. لازم به یادآوری است که بانک سپه ۲ سال گذشته (پیش از اسلامی شدن بانک ها) وام مسکن را ۴ درصد بهره در اختیار متقاضیان خود قرار می داد.

در پایان نامه کسی که بخاطر تصویب این گونه قوانین " مترقی " و " صدور " آن به کشورهای همسایه به جبهه سومار فرستاده شده است، می خوانیم: در اینجا این سؤال مطرح است که آیا شرایط پرداخت وام به طریقی که عنوان شد با اظهارات مسئولین محترم مبنی بر اسلامی کردن اصول نظام بانکداری و به اجراء آمدن قانون بانکداری بدون ربامغایر نمی باشد؟

در همین شماره روزنامه، در ستون " کیهان و شما " خواننده ای پرسیده است: مگر منظور از پرداخت وام کمک به مستضعفان نیست؟ از بانک رفاه کارگران در کیلان مبلغ ۲۶۰ هزار تومان وام گرفته ام که در مدت ۲۰ سال اقساط آن به پایان می رسد. اقساط تعیین شده برای بازپرداخت وام ماهیانه ۲۵۱۲ تومان است که در واقع من باید مبلغ ۶۲۲۰۸۰ تومان در عرض این ۲۰ سال پرداخت کنم. تقاضایم این است با توجه به این که ربا در دین اسلام حرام است، بانک ها این گونه وام ها را از حساب های قرض الحسنه پرداخت کنند که افرادی نظیر من برای پرداخت قسط در فشار قرار نگیرند و بعلاوه انصاف در بازپرداخت وامی که فقط ۲۶۰ هزار تومان است رعایت شود.

تصادفا در صفحه گزارش روز همین شماره کیهان آخرین قسمت مقاله " نگاهی به ضوابط پرداخت وام از سوی بانک ها " به چاپ رسیده و آب پاکتی را روی دست همه کسانی که فریب عوام فریبی های رهبران مرتجع جمهوری اسلامی در زمینه حذف ربا را خورده اند، ریخته است. اینک جملاتی از این گزارش: " در مورد پرداخت وام های قرض الحسنه مسئله سوددهی در نظر گرفته نمی شود. به همین دلیل سیستم بانکی رغبت کمتری در مورد بالا بردن حجم این نوع اعتبارات از خود نشان می دهد، " " قرض الحسنه ای که بانک تجارت می پردازد شامل وام بیماری، جهیزیه، تعمیرات مسکن، کمک هزینه تحصیلی و کمک برای ایجاد مسکن در روستاها است. در موارد مزبور حداکثر میزان وام پرداختی ۵۰ هزار تومان و با کارمزد یک درصد است و این نوع وام ها معمولا حداکثر ظرف سه سال باید بازپرداخت شود، " واقعت این است که این گونه تقاضاها در سطح مملکت آنقدر

زیاد است که تصور می شود همه شعبات بانک ملت و حتی شبکه بانکی نتواند جوابگو باشد، " مردم پول خود را به امید درآمد مشروع ناشی از سرمایه گذاری ها و مشارکت های بانک ها به سیستم بانکی می سپارند. به همین علت نمی توان تمام منابع بانک ها را به صورت پرداخت بدون سود پرداخت کرد. زیرا در این صورت بانک ها درآمدی نداشته و بطور طبیعی سودی ناشی از سپرده گذاری به مردم پرداخت نخواهد شد.

گزارشگر کیهان سپس می نویسد: " برای آن عده که از گرفتن وام ناچیزی به منظور رفع گرفتاری مایوس شده اند این سؤال پیش می آید که منافع بانک ها در خدمت چه کسانی قرار دارد؟ بنا به گفته دست اندکاران شکی نیست که بخش بازرگانی و یا حتی واسطه ها بخش بزرگی از امکانات سیستم بانکی کشور را به خود اختصاص می دهند که در این صورت تشکیلات بانکی در خدمت تبلیغ معدودی قرار می گیرد. " شهرهای کشور ما عمدتا بافت بازرگانی دارد. در اکثر شهرها مشتریان اعتباری اکثرا اصناف هستند و این اصناف عمدتا بازرگان می باشند. به همین علت از نظر تعداد، این افراد بیشترین مشتریان اعتباری را تشکیل می دهند. بهر حال نیاز این بخش اقتصادی به گونه ای تامین می شود.

بانک مسکن از سال ۶۲ پرداخت وام در مورد خرید خانه را قطع کرده است و در حال حاضر تنها برای احداث مسکن، آن هم تحت شرایط و ضوابطی وام پرداخت می کنند... وام احداث واحد مسکونی به شرط داشتن سپرده و زمین با سند قطعی و رسمی می دهد. پرداخت وام به این صورت است که متقاضی در صورتی که سپرده خود را به مدت ۹ ماه در بانک بگذارد بعد از این مدت یک برابر سپرده حداکثر تا ۴۰۰ هزار تومان می تواند وام احداث بگیرد. یکی از مراجعین بانک مسکن می گوید: " فعالیت کنونی بانک مسکن به بورس بازی زمین بطور غیر مستقیم اما عمیق تر دامن می زند، زیرا در حال حاضر بیشتر مشتری های بانک مسکن را کسانی تشکیل می دهند که صاحب خانه می باشند... و گرنه آدمی پول، زمین و سپرده بانکی ندارد که بتواند از امکانات بانک مسکن استفاده کند.

گزارشگر کیهان از قول مردم می گوید: بانک ها نقش چندانی در حل مشکلات مردم در زمان بیماری و روزهای نیاز و بی پولی ندارند. همچنین فعالیت بانک ها در زمینه تامین مسکن بسیار محدود و کم دامنه شده است.

آری واقعتا ها چنین است. اما " اظهارات مسئولین محترم " مبنی بر " اسلامی کردن " اصول نظام بانکداری و دیگر شئون زندگی بدون شرم از دروغ گوئی همچنان ادامه دارد. گوئی " پروفیسور سید نواب حیدر نقوی " که کتابش ترجمه و چاپ می شود، برای نمک پاشیدن بر زخم های مردم زحمتکش ایران است که می نویسد: " حذف ربا، تنها یکی از عناصر مهم رفاه کیهان برای استقرار سیستم اقتصادی عاری از هرگونه استثمار است.

یادی از شهادت ۹ تن از فدائیان و مجاهدین خلق

۲۰ فروردین ۵۴ دژخیمان رژیم شاه - ساواک ۷ تن از فدائیان خلق و ۲ تن از مجاهدین خلق را که از بنیانگذاران و رهبران این دو سازمان بودند به جوخه اعدام سپردند. فدائیان خلق (بیژن جزینی، حسن ضیاء ظریفی، مشعوف کلانتری، محمد چوپان زاده، عزیز سمردی، عباس سورکی و احمد جلیلی افشار) وهم زمان دوتن از رهبران مجاهدین خلق (کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل) که به زندان های طویل المدت محکوم شده بودند، مخفیانه به تپه های اطراف اوین بردند و به وحشیانه ترین شکلی به رگبار گلوله بستند.

اینک ۱۱ سال از آن روز خونین می گذرد. مبارزه خلق همچنان ادامه دارد. امروز رژیم ضد مردمی " ولایت فقیه " در ادامه جنایت های رژیم شاه - ساواک هزاران تن از فرزندان قهرمان خلق را، یاتیرباران کرده و یا زیر شکنجه به شهادت رسانده است. باشد که خون های شهیدان راه خلق اتحاد همه نیروهای مترقی و انقلابی برای مبارزه مشترک در برابر دشمنان خلق گردد. یاد شهدای خلق را گرامی می داریم.



بیمار کمیته مرکزی حزب توده ایران

بکارگران و زحمتکشان ایران * * *

وقتی با استفاده از اشکال گوناگون مبارزه، از راهپیمایی های میلیونی و اعتصاب های صنفی و سیاسی گرفته تا شرکت در قیام مسلحانه ۲۲ بهمن همراه گردید، راه پیروزی را هموار کرد. اکنون نیز اگر با اتحاد و یکپارچگی مبارزه خویش را علیه رژیم کارگر ستیز و واپسگرای جمهوری اسلامی که جز بازبان سرکوب با شما سخن نمی گوید، تشدید کنید، سرنگونی رژیم و استقرار یک نظام ملی و دمکراتیک، امری حتمی خواهد بود.

زنده باد اول ماه مه - روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان!

زنده باد طبقه کارگر قهرمان و پیکارگر ایران!

درد بر کارگران قهرمان در بند و زندانیان مدافع حقوق زحمتکشان!

برقرار باد جبهه متحد خلق!

کارگران و زحمتکشان! متحد شوید و سازمان یافته مبارزه کنید!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

اردیبهشت ۱۳۶۵

افغانستان در هشتمین سالگرد پیروزی انقلاب

با فرارسیدن ۷ اردیبهشت، هشت سال از انقلاب ثور افغانستان، سپری می‌شود. اینک در آغاز نهمین سال پیروزی، مردم افغانستان همچنان در راه دفاع از استقلال، آزادی، اتحاد ملی و برابری و برادری تمامی خلق‌های کشورشان که از دستاوردهای بزرگ انقلاب است، و نیز در راه ریشه کن ساختن ستم و ناپربرگی و دستیابی به رشد و ترقی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مبارزه پی گیر خود را دنبال می‌کنند.

در حالی که امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، ارتجاع منطقه و از جمله رژیم مرتجع جمهوری اسلامی با پشتیبانی مادی و معنوی از ضد انقلابیون افغانی، هر روز توطئه‌های جدیدی را علیه خلق افغانستان سازمان می‌دهند، اکثریت توده‌های زحمتکش، خلقها و قبایل افغانی با حمایت همه جانبه و ایثارگران از برنامه‌ها و مواضع دولت و حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در راه استوار ساختن پایه‌های نظام نوین گام برمی‌دارند. بدینسان هر روز ضربات شکننده‌ای بر دشمن وارد می‌سازند و به ویژه موجب رسوایی هرچه بیشتر یاهو گویان و دستگاه‌های تبلیغاتی‌ای می‌شوند که می‌کوشند حقایق انقلاب افغانستان را وارونه جلوه دهند.

پس از پیروزی انقلاب ثور ارج و اعتبار و محبوبیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جامعه فزونی گرفت. صفوف حزب بیش از ۹ بار افزایش یافت. تنها در ظرف شش ماهه اول سال ۶۴، اعضای حزب هشت هزار و پانصد نفر افزایش یافتند و در آن مقطع تعداد کل آنها به ۱۴۰ هزار نفر بالغ شد. رشد سریع صفوف حزب دموکراتیک خلق افغانستان، قبل از همه به معنی بالا رفتن اعتبار حزب و نشان دهنده تعمیق و گسترش فزاینده پیوند حزب با توده‌های زحمتکش است. حزب دموکراتیک خلق افغانستان از هیچ تلاشی برای گسترش پایگاه مردمی انقلاب کوتاهی نکرده و نمی‌کند، در همین چارچوب است که "جبهه ملی پدر وطن" با شرکت توده‌های وسیع خلق بنیاد گذارده شد. در این جبهه اعضای اتحادیه‌های صنفی و دیگر سازمان‌های اجتماعی و در یک کلام همه میهن پرستان شرکت دارند. "جبهه ملی پدر وطن" تبلور پشتیبانی عمیق توده‌ها از حزب و دولت انقلابی افغانستان است.

در انتخاباتی که اخیراً برای گزینش نمایندگان برای اداره نهادهای نوین حاکمیت، یعنی نهادهای قدرت محلی و اداره دولتی افغانستان برگزار شد، ۹۰ درصد افراد واجد شرایط شرکت کردند و ۵۹ درصد از ۴۱۲۰ نماینده برگزیده، افراد غیرحزبی بودند. رقم بزرگی از نمایندگان را پشتون‌ها تشکیل می‌دهند که پیش از این در کابل نماینده‌ای نداشتند. دگرگونی‌های اجتماعی و دموکراتیک کماکان ادامه دارد و شوراهای ریش سفیدان یا "جرگه" ها نقش مهمی در اداره امور کشور به عهده گرفته‌اند.

اقتصاد ملی افغانستان که در سال‌های پیش از انقلاب دچار بحران عمیق بود، رشد چشمگیری یافته و حجم درآمد ملی و تولید ناخالص ملی به ترتیب ۱۱ و ۱۴ درصد افزایش داشته است. اینک با همکاری اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، بالغ بر یکصد پروژه جدید اقتصادی در افغانستان پیاده شده که ۴۵ درصد درآمدهای دولت، از آن محل تأمین می‌شود. حجم رشد اقتصادی در بخش دولتی و مختلط اقتصاد ملی افغانستان در سال ۶۴، نسبت به ۵ سال پیش از آن، ۴۷ درصد بوده است. تولید فرآورده‌های صنعتی در سال ۶۴، نسبت به سال ۱۳۵۹ در بخش دولتی ۲۵ درصد و در بخش مختلط ۴۱ درصد رشد را نشان می‌دهد و در بخش خصوصی که عمدتاً شامل موسسات کوچک صنعتی است، ۵۲ درصد رشد ثبت شده است.

در سال ۶۴، ۲۷۵۰ کیلومتر کانال آب رسانی گرمیم و ساخته شده است. استخراج گاز طبیعی به ۲٫۷ میلیارد متر مکعب رسیده است. استخراج و زغال سنگ در سال ۶۴، به ۱۴۵ هزار تن رسید که افزایش آن نسبت به سال ۱۳۵۹، ۲۲ درصد بوده است. رشد قدرت برق در فاصله ۶۴ - ۱۳۶۰، به ۲۰ درصد می‌رسد، در حالی که پیش از انقلاب ۷۵ درصد رشد داشته است.

در سال‌های اخیر بالغ بر سه و نیم میلیون هکتار زمین به بیش از ۲۲۰ هزار خانوار دهقانی واکدار شده است. رشد تولید محصولات زراعی نسبت به سال ۵۷، علیرغم خرابکاری‌های ضدانقلاب و بلا استفاده ماندن بخش قابل ملاحظه‌ای از زمین‌های مستعد کشاورزی ۷۰ درصد افزایش یافته است.

پس از پیروزی انقلاب، کارگران در ساختمان جامعه نوین افغانستان سهم بسزایی داشتند و امروز عملاً گروه کثیری از آنها در نهادهای حزبی و دولتی و رهبری سازمان‌ها و موسسات صنعتی و تولیدی شرکت دارند. در قانون کار جمهوری دموکراتیک افغانستان، حقوق کارگران تمام و کمال حفظ شده است. حق برپایی شکل‌های آزاد صنفی به رسمیت شناخته شده است. قرارداد جمعی با کارفرما بوسیله اتحادیه‌های صنفی انجام می‌شود. اخراج کارگران بدون موافقت شورای مرکزی این اتحادیه‌ها ممکن نیست و شورای مرکزی اتحادیه‌های صنفی بر اجرای مواد قراردادهای جمعی کار نظارت دارد.

قوانین داخلی هر موسسه در رابطه با میزان کارمزد، انضباط کار، بهداشت و ایمنی و تشویق کارگران باید با موافقت شورای نمایندگان اتحادیه صنفی باشد. باید در نظر داشت که اتحادیه‌های صنفی شکل‌های واقعی و مستقل کارگران و زحمتکشان هستند. علاوه بر این‌ها، ساعات کار کارگران ۴۰ ساعت در هفته است. مزد اضافه کاری ۵۰ درصد بیش از مزد ساعات معمولی کار است. مرخصی کارگران تا ۴۰ روز در سال در نظر گرفته شده است. مرخصی زایمان ۲

ماه با حقوق و در صورت تمایل ۹ ماه بدون حقوق است. مردان در ۶۰ سالگی و زنان در ۵۵ سالگی و شاغلان کارهای سخت در ۵۰ سالگی بازنشسته می‌شوند. حداقل سن برای شروع به کار ۱۸ سال تمام است. کارگران از یک مرخصی ۴۵ روزه با حقوق برای انجام مناسک حج و زیارت (یکبار در تمام دوره کار) برخوردار هستند.

شرایط پیوستن زنان به اردوی کار و فعالیت‌های اجتماعی بیش از پیش فراهم می‌گردد. تعداد زنان شاغل که پیش از انقلاب به دشواری پنجاه هزار تن میشد، اکنون سیصد هزار تن فراتر رفته است. پنج هزار تن از زنان به نیروی مسلح پیوسته‌اند، بیش از ۱۰۵۰۰ تن به کارآموزی دانش آموزان اشتغال دارند. هفتاد و پنج هزار نفر در سوادآموزی نقش دارند. شمار ۲۳۰۰ تن - یعنی چهار برابر بیش از سالهای قبل از انقلاب - در موسسه‌های تولیدی و صنعتی مشغول کار شده‌اند. برای تسهیل در کار زنان تعداد زیادی کودکستان و مهدکودک تأسیس شده و قانون مرخصی دوران حاملگی و زایمان به تصویب رسیده است. هم اکنون بیش از ۵۰ هزار نفر از زنان در "تشکیلات دموکراتیک زنان افغانستان" عضویت دارند. در سطح کشور ۴۷ کلوب زنان تأسیس شده و در این کلوب‌ها زنان با انواع کارها و فعالیت‌های اجتماعی، هنری و فرهنگی آشنا و سپس مشغول کار می‌شوند.

پس از انقلاب ثور، خدمات پزشکی بطور رایگان در اختیار مردم قرار گرفت. تعداد مراکز بهداشتی، بیمارستان‌ها و بهداشتی‌ها بطور چشمگیری افزایش یافت و ۵۷۷ درصد بر تعداد پزشکان افزوده شده است.

دولت انقلابی افغانستان در جهت محو پدیده بی‌سوادی گام‌های بزرگی برداشته است. پیش از انقلاب ۹۰ درصد مردان و ۹۵ درصد زنان بی‌سوادی بودند. هم اکنون بیش از ۲۰ هزار واحد سوادآموزی در سطح کشور در حال کارند و قرآن است در آینده نه چندان دور بطور کلی بی‌سوادی ریشه کن گردد. در حال حاضر واحدهای آموزشی، اعم از ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی روز به روز در حال گسترش هستند. آموزش به زبان مادری برای همه خلایق کشور به رسمیت شناخته شده است. در برنامه پنج ساله جمهوری دموکراتیک افغانستان پیش بینی شده که کودکان و نوجوانان تا چند سال دیگر دو برابر بیشتر از حال، زیر پوشش تحصیلی قرار گیرند. یکصد و پنجاه هزار دانش آموز به عضویت سازمان پیشاهنگی افغانستان درآمده‌اند و تا کنون گروه زیادی از دانش آموزان در اردوگاه‌های تفریحی پیشاهنگی شرکت کرده‌اند. تا کنون نزدیک به ده هزار نفر آموزگار از موسسات آموزش عالی افغانستان فارغ التحصیل و بلافاصله آغاز به کار کرده‌اند.

در حالی که در دوران سلطنت ظاهرشاه، یعنی طی ۲۷ سال تنها یکصد و نود عنوان کتاب در بقیه در ص ۵

گرده‌های ناتوان کارگران خردسال در زیر بارستم و بهره‌کشی

ملته یا حداکثر چند ماه است و پس از آن نوجوان کارآموز هم، چون دیگر کارگران و حشیانه استثمار می‌شود.

علاوه بر اینها، حوادث و سوانحی که در محیط های کار، جان کودکان کارگر را در معرض خطر قرار می‌دهد بسیار است. طبق آمار منتشر شده در سال ۱۳۶۲، ۱۱ درصد از موارد سوانح به کودکان ۱۰ تا ۱۴ سال اختصاص دارد. یعنی در سال بیش از ۲۲۰۰ کودک و روزانه بیش از ۱۰ کودک در کارگاه ها و کارخانه ها قربانی می‌شوند.

به همین دلیل، در تنها جلسه ای که با حضور کارگران برای بررسی قانون کار پیشنهادی دولت در اسفند ماه سال ۶۲ تشکیل شده بود، یکی از کارگران به عنوان اعتراض نسبت به کار کودکان خردسال گفت: "اگر قبلا (در دوران ستمشاهی) کارگر ۱۲ ساله یک کارگر مستقل به حساب می‌آمد و همه گونه مزایای کارگری به وی تعلق می‌گرفت، حالا به موجب این پیش نویس، کارگر ۱۲ ساله به عنوان "کارآموز" وارد کارگاه خواهد شد که مزایای کمتری به تعلق خواهد گرفت. ما خواستار ممنوعیت کامل اشتغال افراد کم سن و سال هستیم" (کیهان ۱۳۷۱، ۶۲).

بدینسان اسارت و زندگی برده وار میلیونها کودک و نوجوانی که باید به تحصیل علم و دانش مشغول باشند، همچنان ادامه دارد و دولت ضد مردمی ج.ا. نیز با به رسمیت شناختن بهره کشی از کودکان خردسال، حداقل بطور رسمی اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی را زیر پا گذاشته است. براساس این اصل دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همگان تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور بطور رایگان گسترش دهد.

مسلم است که دفاع از حقوق کودکان و نوجوانان و جلوگیری از هر نوع بهره کشی از آنان، یکی از وظایف اصلی طبقه کارگر و همه زحمتکشان و نیروهای مترقی ایران است.

به کمیته مرکزی حزب دمکراتیک ...

جمهوری دمکراتیک افغانستان در سال های گذشته، به رغم توطئه های گسترده ضد انقلاب خارجی و داخلی، به پیروزی های درخشانی در همه زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست یافته است. ما اعتقاد داریم، که مردم افغانستان، زیر رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان، نه تنها به تحکیم انقلاب موفق خواهد شد، بلکه هرچه پیروزتر به بیکار در راه آماج های والا و مشترک ما - آزادی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم، ادامه خواهد داد.

حزب توده ایران، با تکیه بر سنن عمیق همبستگی میان دو حزب ما، در آینده نیز پشتیبان مبارزه شما خواهد بود. پیروز باد انقلاب ثورا
با دروهای برادرانه،

کمیته مرکزی حزب توده ایران

فروردین ۱۳۶۵

کودکان بهجای بینیم تا برای نمونه، به سخنان توکلی، وزیر کار سابق، در این زمینه اشاره کنیم. وی درباره وضعیت کار کودکان در انطباق با روح پیش نویس قانون کار کلاسی خود که با همکاری مرتجع ترین محافل روحانیت حاکم تنظیم و تدوین کرده بود، گفت:

" البته وقتی می گوئیم طفل، طبعاً کسی بچه ۵ ساله را سرکار نمی گذارد معمولاً بحث بر سر بچه ۷، ۸ ساله به بالا، ۱۲ ساله و ۱۳ ساله به بالاست و این بستگی به کارهای مختلف دارد" (اطلاعات ۱۳۷۱، ۶۲).

در جمهوری اسلامی کار کودکان تحت عنوان "روابط سنتی شاگردی و استادی" و "با اجازه والدین" با شکلی شرعی، توجیه شده و در پیش نویس جدید قانون کار نیز بر آن تاکید شده است. طبق ماده ۹۵ این پیش نویس: "حداقل سن کارگران در بخش کشاورزی با اذن ولی یا قیم آنها، ۱۲ سال می‌باشد". این پیش نویس همچنین دست صاحبان کارگاه ها و کارخانه ها (در بخش صنعت) را باز گذاشته تا به راحتی و با پوشش قانونی از نیروی کار ارزان کودکان ۱۲ ساله بهره کشی کنند. طبق تبصره ماده ۲۱: "انعقاد قرارداد کارآموزی با نوجوانان که سن آنها حداقل ۱۲ سال تمام است با اذن ولی یا قیم او بلامانع است". یعنی در صورت تصویب این پیش نویس، به کارفرما اجازه داده خواهد شد تا نوجوانان را به دستاویز کارآموزی به مدت ۲ سال یعنی از ۱۲ تا ۱۵ سالگی با مزد ناچیز به اسارت درآورند. در حالی که در کارگاه ها و کارخانه های ایران از کارآموزی خبری نیست. اگر هم باشد فقط چند

مبالغ هنگفتی از جانب انگلستان، آلمان فدرال، ژاپن، اسرائیل، عربستان سعودی و چندین سازمان ارتجاع بین المللی در اختیار ضدانقلابیون قرار گرفته است. بطور نمونه، انگلستان، مبلغ ۱۸ میلیون پوند در اختیار "عبدالحق" سردهسته یکی از خونخوارترین پاندهای ضدانقلابی افغانی قرارداد است و پشتیبانان ضد انقلاب افغانی در آلمان فدرال ۲۰ میلیون دلار برای قتل و کشتار مردم صلح دوست افغانستان واریز کرده اند.

در این میان رژیم جمهوری اسلامی نیز با ارتجاعی ترین محافل ارتجاعی مصلدایی و همکاری از خود نشان می‌دهد و تا کنون کمک های عظیم مالی و نظامی در اختیار به اصطلاح "مجاهدین مسلمان" قرار داده است. نزدیک به ۱۵۰ مرکز آموزشی و تعلیمی در پاکستان و ایران تشکیل شده که سالانه ۴۰ الی ۵۰ هزار تروریست و خرابکار در آنها آموزش می‌بینند.

با تمام این احوال خلق افغانستان تحت رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان و با یاری جامعه کشورهای سوسیالیستی و تمام نیروهای مترقی در سراسر جهان به مبارزه پیکر برای جامعه عمل پوشاندن به آرمان های بزرگ خود ادامه می‌دهد.

علی رغم قوانین بین المللی وضع شده، از جمله اعلامیه جهانی حقوق کودک و قوانین سازمان بین المللی کار ("ای. ال. او.")، امروزه بیش از ۱۰۰ میلیون کودک و نوجوان در کشورهای سرمایه داری پیشرفته و نیز در کشورهای تحت سلطه در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، در شرایط غیرانسانی به سرمایه بردن و مورد استثمار قرار می‌گیرند.

در کشور ما نیز، فقر و محرومیت تشدید شده میلیونها خانواده زحمتکش، سبب گردیده تا شمار عظیمی از کودکان و نوجوانان در بخش های مختلف اقتصادی کشور (صنعت، کشاورزی، خدمات و...) جذب و مورد بهره کشی قرار می‌گیرند.

طبق سرشماری سال ۱۳۵۵ رقم واقعی کودکان و نوجوانان بین ۶ تا ۱۴ سال که به تحصیل اشتغال نداشتند، بالغ بر ۲ میلیون تن و از آن میان حدود ۲۲ میلیون کودک و نوجوان در زمره "کارگران خردسالی" بودند که در مراکز مختلف شهرها و روستاها به کار می‌پرداختند. از ۱۳۵۵ تا کنون نیز به علل تشدید روزافزون فقر توده های زحمتکش این رقم سیر صعودی داشته است.

در ج.ا. شرایط رنج آور و هستی سوز کار "کارگران خردسال" بیش از پیش تشدید شده است. اگر رژیم گذشته ظاهراً حقوق کارگران را به رسمیت می‌شناخت، رژیم کارگر ستیز ج.ا. علناً و رسماً این حقوق را نادیده می‌گیرد و با لعابی "شرعی"، ارتجاعی ترین قوانین را وضع می‌کند و به اجراء درمی‌آورد. برای روشن شدن ماهیت نگرش سردمداران و کارگزاران رژیم "ولایت فقیه" نسبت به کار

افغانستان در هشتمین ...

افغانستان منتشر شد. در سال های اخیر ۸۹ عنوان کتاب جدید با تیراژ ۲۲ میلیون به چاپ رسیده است. تیراژ و زمانه ما رقم بسیار بزرگی را نشان میدهد.

در کنار این دستاوردها که با شرکت توده های وسیع زحمتکشان بدست آمده است، خسارت ها و ویرانی هایی را که توسط ضدانقلابیون و عمال ریز و درشت امپریالیسم و ارتجاع به کشور انقلابی افغانستان وارد شده، نمی‌توان نادیده گرفت. تا کنون ۱۲۰ مراکز بهداشتی و درمانی توسط مزدوران و ضدانقلابیون افغانی تخریب و داروها و وسایل پزشکی و درمانی به ارزش میلیونها افغانی (واحد پول افغانستان) به تاراج رفته است. ۱۸۲ مدرسه نابود شده و نزدیک به ۲۰۰۰ معلم به قتل رسیده اند. علاوه بر کشتار مردم بیگناه دهها روستا به ویرانه تبدیل شده اند. سازمان دهنده اصلی این جنایت ها و ویرانگری ها سازمان جهنی "سیا" و عوامل دست نشانده امپریالیسم و ارتجاع هستند. ایالات متحده آمریکا بیش از هر اقلیتاژ دلار به منظور تأمین مخارج جنگ اعلان نشده علیه افغانستان دمکراتیک اختصاص داده است. علاوه بر آن

رهنمودها و شعارهای اول ماه مه، جشن رزمی کارگران جهان

بازگشت سرمایه داران بزرگ به محیط کار مبارزه کنید!

* حق هر کارگر است که از مسکن مناسب و ارزان برخوردار باشد.

- خواستار ساختن خانه های ارزان قیمت، تامین زمین و وام و مصالح برای تعاونی های مسکن کارگری شوید!

* بخواهید تا سهمیه تعاونی های مصرف کارگری افزایش یابد و کالاهای مورد نیاز کارگران با کیفیت مطلوب به تعاونی ها تحویل شود!

* با اخراج و تبعیض نسبت به زنان کارگر مبارزه کنید!

- باید در کارخانه ها مهدکودک دایر شود و برای زنان تسهیلات ویژه ای فراهم گردد.

- باید زنان کارگر از حقوق برابر با مردان برخوردار شوند.

* به کار کودکان و نوجوانان باید پایان داد. جای آنان نه در کارخانه ها یا جبهه های جنگ، که در مراکز آموزشی است.

* در درون کارخانه ها عناصر ضد کارگری و از آن جمله عوامل سپاه، کمیته ها، دواير حراست، انجمن های اسلامی و غیره جاسوسان رژیم و عوامل سرکوب کارگران هستند. با آنان مبارزه کنید!

* از مبارزات دیگر اقشار و طبقات جامعه، بویژه دهقانان زحمتکش که در مقابل بازپس گیری زمین ها مقاومت می کنند دفاع کنید!

* بحران اقتصادی و ورشکستگی رژیم موجب افزایش سرسام آور هزینه های زندگی شده است.

- با گرانی و تورم مبارزه کنید و خواستار افزایش حقوق متناسب با آن شوید!

- نگذارید فشار ناشی از گرانی و کسری بودجه بردوش شما سنگینی کند. با سیاست " صرفه جویی " رژیم مبارزه کنید!

* علیه کشتار خلق کرد و در راه برخورداری خلق ها از حقوق ملی بطور متحد و پیگیر مبارزه کنید!

* برای رسیدن به خواست های خود کم کاری و اعتصاب را گسترش دهید!

- کمیته های مخفی اعتصاب بوجود آورید!

* همبستگی میان خود و کارگران واحدهای دیگر را تقویت کنید!

* روز اول مه روز جهانی کارگر باید تعطیل شود!

برگزاری آزادانه مراسم روز جهانی کارگرخواست همه زحمتکشان است.

- مراسم فرمایشی رژیم بمناسبت اول ماه مه را تحریم کنید و بطور مستقل این روز را جشن بگیرید!

* مستحکم باد همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان!



* کارگران و زحمتکشان مبارز! شعار قطع فوری جنگ و مذاکره در راه صلح عادلانه را در راس خواست های خود قرار دهید!

- از رفتن به جبهه های بی بازگشت خودداری کنید و نگذارید از دستمزد ناچیز شما به نفع جنگ کسر کنند!

- زنان مبارز کارگر! جبهه ها را تحریم کنید و نگذارید فرزندان و شوهرانتان را به جبهه بفرستند!

- تبلیغ بر ضد جنگ در واحدهای تولیدی و محلات مسکونی را هر چه بیشتر گسترش دهید!

شورای عالی کار با افزایش دستمزد در سال ۶۵ مخالفت کرده است. با این اقدام ضد کارگری رژیم مبارزه کنید!

- دستمزد باید هماهنگ با هزینه سرسام آور زندگی افزایش یابد و بر پایه کمیت و کیفیت کار تعیین گردد.

* بایسته شدن کارخانه ها و اخراج های بی رویه و خودسرانه کارگران سپاه عظیم بیکاران پدید آمده است که به نان شب محتاجند

- با بسته شدن کارخانه ها و اخراج کارگران مخالفت کنید!

- با بیکاران متحد شوید و امنیت شغلی را طلب کنید!

خواستار بیمه بیکاری شوید!

* بدون تشکیلات محکم و رزمجوی کارگری نمی توان به پیروزی رسید!

- برای دفاع از حقوق خود، سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگری را سازمان دهید!

- پیشروترین و باتجربه ترین کارگران وظیفه دارند برای رهبری مبارزه طبقه کارگر هسته های مخفی تشکیل دهند.

- نمایندگان واقعی خود را انتخاب و از آنان حمایت و حفاظت کنید!

* تعداد زیادی از کارگران آگاه همراه با نیروهای مبارز جامعه در زندان و در زیر شکنجه بصرمی برند.

- روز اول ماه مه را به روز مبارزه برای آزادی های دموکراتیک، نجات نیروهای مترقی از زندان ها و شکنجه گاه ها و حمایت از خانواده های زندانیان سیاسی و شهدای انقلاب تبدیل کنید!

* علیه قوانین ضد کارگری و ضد دهقانی مبارزه کنید.

- در مقابل تصمیم ضد کارگری رژیم در مورد وضع قانون کار ضد کارگری ایستادگی کنید!

- خواستار تدوین قانون کار انقلابی با مشارکت کارگران و تشکل های واقعی آنان شوید!

- قانون ارتجاعی شوراهای اسلامی و انتخابات فرمایشی را افشاء کنید!

- در راه تدوین و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل مبارزه کنید!

- خواستار تدوین و اجرای صحیح قانون تامین اجتماعی مترقی شوید!

* با واگذاری کارخانه های ملی شده به بخش خصوصی و

کارگران و زحمتکشان ایران! در آستانه روز جهانی کارگر، بیکار در راه سرنگونی رژیم را تشدید کنید!

به مامی نویسنده

امتناع از استخدام کارگران

مدیریت کارخانه شهاب (هیئتچی سابق) که زیر نظر سازمان گسترش و نوسازی صنایع اداره می‌شود، از پذیرفتن ۵۰۰ نفر کارگر اخراجی سایر کارخانه‌ها که جهت استخدام مجدد معرفی شده بودند، سرباز زد. امتناع مدیریت این واحد از استخدام کارگران موج اعتراض را برانگیخت. مبارزه در "گروه صنعتی بهشهر"

مبارزه کارگران "گروه صنعتی بهشهر" در زمینه اجرای درست و عادلانه طرح طبقه بندی مشاغل، کماکان ادامه دارد. در اوایل بهمن گروهی از کارگران این واحد برای دستیابی به خواست های خود دست از کار کشیدند و در مذاکره با مدیریت یک ماه مهلت دادند تا خواست هایشان برآورده شود. اما مدیریت از انجام خواستهای آنان سرباز زد. دیگر بار کارگران همه واحدهای این گروه صنعتی در دهه فجر دست از کار کشیدند و بازگشت به کار را منوط به اجرای طرح طبقه بندی مشاغل دانستند. مبارزه کارگران "گروه صنعتی بهشهر" همچنان ادامه دارد.

خرید اسلحه از اسپانیا

اخیرا لاریجانی از معاونان وزارت امور خارجه ج.ا. برای خرید اسلحه به اسپانیا رفت. انستیتیوی صنایع ملی اسپانیا از طریق شرکت "فومنتو" به ایران اسلحه صادر می‌کند.

حقیق‌شمردن زنان و تسهیل امر طلاق داشته است. مهدوی کرمانی می‌گوید: "اصولا طلاق دست مرد است و از ایقاعات است. یعنی صیغه طلاق یک طرفه است."

همین فرد در جای دیگری می‌افزاید: "مرد می‌تواند در آن واحد مثلا برای چهار زن خود تقاضای طلاق کند" (کیهان ۲۰/۴/۶۴).

و بالاخره مهدوی کرمانی در آذرماه سال پیش گفت: "اگر زن در حالی که مهریه اش را بخشیده است از طلاق پشیمان شود تا سه ماه حق رجوع دارد... اما اگر زنی مهریه اش را گرفته و در آن شرایط پشیمان شده است دیگر حق رجوع ندارد..." (کیهان ۱۱/۹/۶۴).

اما تاسف بارتر آن است که مسئله به همین جا ختم نمی‌شود. در شرایطی که زنان، فاقد استقلال مادی هستند حکم طلاق، به منزله درماندگی و بی پناه شدن زنان بشمار می‌آید که خود زمینه ساز انواع و اقسام مسائل و معضلات است. هم چنین پس از طلاق اگر پای فرزند یا فرزندان هم در میان باشد، آینده‌ای پس تاریخ و غم انگیز انتظار آنان را می‌کشد.

خلاصه کلام آن که راه کشودن این گره اجتماعی را هم چون دیگر معضلات اجتماعی موجود باید در سرنوشتی رژیم قرون وسطایی ج.ا. و استقرار حکومتی ملی و دموکراتیک جستجو کرد.

خانواده‌ها انجامیده، حکایت از فقر و استیصال به عنوان عامل اصلی این فجایع اجتماعی دارد. بطور کلی پدیده طلاق پیش از هر چیز مولود علل اقتصادی - اجتماعی است. در جامعه بحران زده ما، معضلاتی چون بیکاری، اخراج های گسترده، رشد روزافزون گرانی و تورم، پایین بودن سطح دستمزدها، بی مسکنی و ادامه جنگ خانمانسوز که در حقیقت تشدیدگر دیگر مصائب اجتماعی است، بز هشتی خانواده های زخمکش چنگ انداخته‌اند.

بنابه آمار رسمی بالغ بر ۲۵ میلیون نفر از نیروی فعال و مستعدکار جامعه بیکارند و بیش از ۷۰ درصد بیکاران را جوانان زیر ۲۰ سال تشکیل می‌دهند.

اخراج های گسترده به بهانه های گوناگون روزبه روز بر فوج بیکاران کشور می‌افزاید. حقوق دریافتی آن دسته از زحمتکشانی که هنوز دستشان به جایی بند است به هیچوجه جوابگوی حتی حداقل معشیت خانواده‌ها نیست. بنابه اقرار کارگزاران رژیم، کالاها و اجناس ضروری زندگی ۲۰۰ تا ۲۰۰ درصد و حتی ۴۰۰ تا ۵۰۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند. علاوه بر این بیش از ۲ میلیون خانوار ایرانی فاقد مسکن هستند و ناچارند که نزدیک به دوسوم حقوق ماهانه خود را صرف کرایه خانه کنند. در این رابطه سخنان نماینده شوشتر به حدکافی افشاگر است: "بنده خود یک جوان متعهد حزب الهی را سراغ دارم که این ازدواج کرده بود ولی به علت نداشتن مسکن و پیدا نکردن محل سکونی ناچار شد زن خود را طلاق بدهد البته با او هم شرط کرد که هرگاه توانست بالاخره مسکنی فراهم کند مجددا با او ازدواج کند". سیاست توسعه طلبانه رژیم در ادامه جنگ خانمانسوز که نزدیک به ۵۰ درصد بودجه و درآمد کشور را می‌بلعد همچنان بیش از پیش بر شدت فشارهای اقتصادی تحمیل شده بر خانواده‌ها می‌افزاید.

فشارهای روحی و روانی نیز که معلول و پیامد ناکزیر این زندگی به غایت دردناک و دشوار است، زمینه ساز از هم پاشیدگی خانواده‌ها می‌گردد.

رژیم فسادپرور ج.ا. دستاوردهای مبارزاتی زنان را زیرپا گذاشته و مشتی قوانین مدنی ستمشاهی را به مراتب خشن تر از گذشته و در پرشش شرع به جامعه تحمیل می‌کند و بدینسان خانواده‌ها را بیش از پیش به سراشیب سقوط و فروپاشی سوق می‌دهد. به عنوان نمونه "ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی عهد رضاخان که به مرد حق می‌دهد هر لحظه اراده کند زن خویش را به برهانه‌ای طلاق دهد"، امروز از سوی دادگاه های مدنی خاص رسمیت یافته و به اجرا درمی‌آید. هم چنین ماده ۸ قانون "حمايت خانواده" که اعلام می‌دارد "اگر یکی از طرفین (ازدواج) ۵ سال یا بیشتر محکوم به زندان شود طرف دیگر حق طلاق دارد" هم اکنون در زمره قوانین مدنی جاری کشور است.

علاوه بر اینها، دیدگاه ارتجاعی رژیم نسبت به زن و خانواده نقش تعیین کننده‌ای در

آمار طلاق به ۲۰٪ رسید

پدیده شوم و نکبت بار طلاق به عنوان یک بلیه اجتماعی روزبه‌روز دامنه وسیع تری می‌یابد و خانواده‌های بیشتری را به تباهی می‌کشاند. شرایط اقتصادی - اجتماعی تحمیل شده از سوی رژیم "ولایت فقیه" موجب تغییرات جدی و ناگوار در زندگی تک تک خانواده‌های ایرانی شده، تا بدان حد که تداوم زندگانی را دشوار و سبب ایجاد شکاف در درون بسیاری از خانواده‌ها شده است.

با توجه به اعتراف های مسئولان و آمار منتشره از سوی رژیم به رشد بیسابقه و افسارگسیخته پدیده طلاق می‌توان پی برد. بنابه گفته مهدوی کرمانی رئیس دادگاه های مدنی خاص، در سال ۶۱ از ۱۸ هزار فقره پرونده مربوط به طلاق ۷۰۰ پرونده منجر به طلاق و جدایی زن و شوهر از یکدیگر شد.

رفسنجانی در نماز جمعه آبان ماه سال جاری گفت: "... از ۶۶ هزار زن مطلقه ما در سال ۶۲، ۴۹ هزارتای آنها در شهر و ۱۷ هزار تا در روستا هستند." (کیهان ۱۱/۹/۶۴).

بر اساس آنچه که "کیهان" مورخ ۱۰/۹/۶۴ منتشر کرده:

- از سال ۵۷ تا ۶۲ آمار طلاق حدود سه برابر افزایش پیدا کرده است.
- طبق آمار رسمی وزارت دادگستری بین سال های ۵۹ تا ۶۲ بیش از ۲۸۵۰۰ مورد طلاق ثبت گردیده است.

- از هر ۵ پیوند ازدواج، یک ازدواج به بن بست طلاق انجامیده است.

بسیاری از دفاتر رسمی ازدواج و طلاق بیش از آنکه موارد ازدواج را ثبت کنند موارد طلاق را ثبت می‌کنند. بر اساس آنچه در کیهان ۱۱/۹/۶۴ درج گردیده، آمار ثبت شده طلاق و ازدواج در یکی از محضرهای تهران چنین است:

سال ۱۳۶۴	تعداد ازدواج	تعداد طلاق
فروردین	۴۴	۲۵
اردیبهشت	۸۲	۸۲
خرداد	۴۰	۸۰
تیر	۶۷	۹۵
مرداد	۷۶	۷۸
شهریور	۹۹	۷۵
مهر	۲۲	۲۹

دست اندرکاران مرتجع و تاریک اندیش ج.ا. در این رابطه نیز شیوه میسگی متهم کردن زنان را بکار می‌گیرند و علل طلاق‌ها را در عدم تمکین زن به مرد، عدم تفاهم اخلاقی و روحی زوجین، عدم توجه زنان به نیازهای روحی و روانی مردان و... خلاصه می‌کنند و از ریشه یابی علمی و اصولی آن هراس دارند.

بررسی دقیق و همه جانبه پرونده‌هایی که در دادگاه های مدنی خاص، دادگستری و دیگر مراجع قضایی، به جدایی زن و مرد و از هم پاشیده شدن

نگاهی به رویدادهای جهان

دولت اتحاد شوروی تجاوز اهرزانه آمریکا به لیبی را بشدت محکوم می کند

اعلامیه دولت شوروی

امپریالیسم ایالات متحده آمریکا دست به جنایت تازه ای زد که صلح جهانی و امنیت بین المللی را بگونه ای جدی به خطر می اندازد. در شب میان روزهای چهاردهم و پانزدهم آوریل هواپیماهای نیروی دریایی متعلق به ناوگان ششم و همچنین هواپیماهای جنگی آمریکایی مستقر در بریتانیای کبیر اقدام به هجوم علیه لیبی کردند و با نقشه ای از پیش به دقت تهیه شده ضرباتی بر شهرهای طرابلس و بنغازی و از جمله محلات مسکونی آنها وارد ساختند. در نتیجه این حمله وحشیانه بسیاری مردم کشته شدند و زیان های مادی قابل ملاحظه ای بجای ماند.

این اقدام ایالات متحده علیه لیبی که در واقع یک تجاوز است و اعلام علنی بی اعتنائی به منافع کشورها و خلق های کوچک توسط آنها، خشم و نفرت جهانیان را برانگیخت.

بدین ترتیب بار دیگر آشکارا ثابت شد که خصلت تجاوزی اقدامات ایالات متحده علیه کشورهای مستقل در حال توسعه که روز بروز بیشتر جنبه نظامی و برای امر صلح خطرناک به خود می گیرد، رشد می کند. در تعارض باشعور سالم انسانی، دستگاه اداری ایالات متحده آمریکا با بی اعتنائی به واقعیات کنونی دارد با آتش بازی می کند. باید روشن باشد که در دوران اتم، هر مسئله ای در مناسبات میان دولت ها باید با وسایل سیاسی حل شود.

در دوران ما، پس از حمله اهرزانه ایالات متحده آمریکا به گرنادا، این گونه به مسخره گرفتن حقوق خلقها و اخلاق عمومی بشری را کمتر می توان یافت، این واقعیت که پس از بمباران لیبی در بیست و پنجم مارس ۱۹۶۵، ایالات متحده آمریکا دوباره ضربه ای بر این کشور مستقل عربی وارد می کند بگونه ای انکارناپذیر نشان می دهد که دستگاه اداری آمریکا زورگویی، عظمت طلبی نظامی گرانه را تبدیل به قاعده در سیاست خود کرده است.

واشنگتن عجله دارد که برداشت جهانسالاری نوین (نئوگلوبالیسم) را در عمل پیاده کند که تفاوت آن با دیگر انواع پیشین در این است که دیپلماسی ناوهای هواپیمابر جانشین دیپلماسی کشتی های توپدار شده است.

حتی آن تعداد انگشت شماری در غرب که هنوز گونه ای تصور واهی درباره گرایش های کاخ سفید داشتند، بر اثر عملیات تازه ایالات متحده

می بردند که سیاست امروزی آن، سیاست تجاوز و برانگیختن درگیری های منطقه ای، سیاست چاودان ساختن رویارویی بالانس برلبه یرتگاه جنگ است.

تجاوز آمریکا یک پرووکاسیون بی شرمانه و آشکار نسبت به مجموعه افکار عمومی در جهان است. مستقل از این که در واشنگتن اکنون به چه "پرده پوشی" هایی متوسل شوند، واقعیت این می ماند که درست دولت ایالات متحده آمریکا در مورد حادثه و خامت اوضاع در جهان گناهکار اصلی است. و بدون احساس مسئولیت با سرنوشت میلیونها انسان بازی می کند.

ایالات متحده آمریکا - یک قدرت بزرگ، یک عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد است که مسئولیت ویژه ای پیرامون حفظ صلح جهان به گردن دارد - در عمل به خشن ترین صورت، منشور این سازمان را که بکاربردن زور را در مناسبات بین المللی ممنوع می کند، زیر پا می گذارد.

رهبری شوروی بارها در این مورد هشدار داده است که اینگونه اقدامات ناگزیر روی مناسبات اتحاد شوروی و آمریکا تاثیر می گذارد. متاسفانه این هشدار، آنطور که تجاوز علیه لیبی نشان می دهد، در واشنگتن ناشنیده گرفته شده است. نتیجه این که دستگاه اداری ایالات متحده آمریکا، دیدار برنامه ریزی شده در سطح وزیران امور خارجه دو کشور ما را در مرحله کنونی غیرممکن ساخته است.

دولت شوروی اقدام تجاوزکارانه و اهرزانه ایالات متحده آمریکا را علیه لیبی، یک کشور مستقل و یک عضو سازمان ملل متحد، قاطعانه محکوم می کند و می طلبد که به این کارها هرچه زودتر پایان داده شود. در غیر این صورت اتحاد شوروی خود را مجبور می بیند نتایج دور و درازتری از آن بگیرد.

به سیاست زیر فشار گذاشتن و تهدید، سیاستی که با منافع صلح و امنیت بین المللی از پایه تناقض دارد، باید یکبار برای همیشه پایان داد.

یازدهمین کنگره حزب

یکانگی سیاست اقتصادی و اجتماعی بمثابة عرصه اصلی مبارزه حزب، تاکید شده است.

در دومین روز کنگره، رفیق گورباچف در برابر نمایندگان کمونیست های آلمان سخن گفت. او پس از شادباش گویی به نام کمونیست ها و تمام مردم شوروی به مردم آلمان دمکراتیک بمناسبت پیروزی های درخشانی که در عرصه های اقتصادی و اجتماعی بدست آورده اند، مطالب بسیار مهمی را پیرامون مسائل صلح و امنیت بین المللی و سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا مطرح کرد. تاکید او بر قصد اتحاد شوروی به دفاع

از شعارهای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی به مناسبت اول ماه مه سال ۱۹۸۶

* درود برادرانه به مبارزان دلیر راه منافع توده ها که در زندان ها و سیاه چال ها شکنجه می شوند!

* آزادی برای زندانیان امپریالیسم و ارتجاع!

* درود برادرانه به خلق های کشورهای در حال توسعه! برافراشته باد پرچم همبستگی با مبارزه عادلانه خلق های آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین علیه بهره کشی و یوغ امپریالیستی و بخاطر راه مستقل و مترقی توسعه!

* درود اول ماه مه به طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری، که علیه یوغ انحصارات و برای حقوق و منافع حیاتی خویش سرسختانه پیکار می کنند!

* خلق های همه کشورها!

علیه خطر جنگ و برای قطع مسابقه تسلیحاتی و ایجاد سیستم فراگیر امنیت بین المللی به رژیم!

* خلق های کشورهای آسیا! تلاش های خود در نبرد برای امنیت، حسن همجواری و همکاری در آسیا و منطقه اقیانوس آرام را یکی کنید!

* خلق های جهان!

قاطعانه علیه سیاست امپریالیستی تجاوز و زورگویی پیکار کنید!

* خلق های همه کشورها! مبارزه برای دمکراتیزه کردن مناسبات بین المللی و همکاری سازنده دولت ها در حل مسایل همگانی دوران معاصر را تشدید کنید!

* زنده باد سیاست خارجی لنینی اتحاد شوروی * سیاست تحکیم صلح و امنیت خلق ها و همکاری گسترده بین المللی!

* بگذار بدون جنگ افزارها و جنگ ها صلح در روی زمین پیروز شود!

قاطعانه از صلح و مقابله با دستیازی های امپریالیسم به منافع خلق های کوچک با کف زدن های شرانگیز و طولانی مورد تایید حاضران قرار گرفت.

کمک مالی به

حزب توده ایران

یک وظیفه انقلابی است!

NAMEH
MARDOM
No. 99

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

24 April 1986

پایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه در گرو پیکاری گیر،

متحد و سازمان یافته همه نیروهای مترقی و مردمی است!